

بسم الله الرحمن الرحيم

امریکا پس از تکمیل خدماتش در عراق و سوریه، علیه ایران موضع گیری می کند!

(ترجمه)



جای شکی نیست که اظهارات کنونی دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا به طور خاص مربوط به برنامه هسته ای ایران نیست؛ بل در واقع آن چه که مربوط به این امر می شود، فعالیت های منظوقوی ایران می باشد. (منبع: گزارش رویترز ۱۰ اکتوبر ۲۰۱۷م) ایران روز سه شنبه به امریکا گفت: «اگر دونالد ترامپ سپاه پاسداران را به عنوان یک سازمان تروریستی تلقی کند، بدون شک خودشان در صف تروریست ها قرار می گیرند.»

انتظار می رود که دونالد ترومپ رئیس جمهور امریکا، در این هفته تصمیم نهایی خود را مبنی بر این که چگونه می خواهد تأثیر منطقه ای ایران را داشته باشد، اعلام کند. ترامپ انتظار دارد تا یک معامله مهم ۲۰۱۵م را لغو نماید. ایران با قدرت های جهانی برای جلوگیری از برنامه هسته ای خود در مقابل لغو اغلب تحریم های بین المللی مواجه شده است. اعلام ترامپ از تمدید قرارداد جلوگیری می کند و این تصمیم را به کنگره می دهد که در مدت ۶۰ روز به خاطر دوباره تحمیل کردن فرمان های شان تصمیم اتخاذ کنند و او نیز انتظار دارد تا قوی ترین نیروی امنیتی ایران یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کند.

تحریم های امریکا در مورد سپاه پاسداران می تواند درگیری ها در عراق و سوریه را تحت تأثیر قرار دهد، در حالی که تهران و واشنگتن هر دو از احزاب حربی حمایت می کنند که در مخالفت با گروه ستیزه جوی دولت اسلامی قرار دارد. خشم امریکا نسبت به ایران در این زمان، تنظیم و محدود کردن ایران به مأموریت تعیین شده اش می باشد. حقیقت امر این است که ایران در جهت

اجرای برنامه های امریکا در افغانستان، عراق و اکنون در سوریه همکاری کامل داشته است. هدف امریکا در دوران اوباما برای پایان دادن معامله هسته ای ایران، آغاز عادی سازی روابط عمومی با ایران بود تا از این طریق بتواند در استفاده از خدمات ایران بیشتر دست باز داشته باشد.

خشم امریکا در این زمان به این خاطر است که ایران و روسیه با تلاش خود در جهت برگرداندن نیروهای اسد به قسمت جنوب شرقی سوریه از مأموریت شان پا فرا تر گذاشته اند. امریکا با این امر مخالف است؛ چرا که سوریه می خواهد یک نظام غیرمتمرکزی را به کار گیرد که عیناً مشابه برنامه امریکا باشد که در عراق دنبال می شد.

امریکا کنترل جهان اسلام را از دست می دهد؛ زیرا امریکا در هر سرزمین اسلامی که وارد شده است، با جهاد مواجه شده است. رژیم های مزدور تحت حمایت امریکا به طور فزاینده ای مجبور شده اند تا برای ادامه اعمال سیاست های غربی بالای مردم خود ظلم و ستم روا می دارند. امریکا با استفاده از تکتیک های سابق انگلیس به گونه ای بازی می کند که رژیم های کشورهای اسلامی علیه یک دیگری قرار گیرند، به نحوی که از مصر علیه لیبیا، از پاکستان علیه افغانستان، از عربستان سعودی علیه ایران و از ترکیه علیه سوریه استفاده می کند که هر کدام از این کشورها در این فرایند به عنوان قدرت های منطقه ای عرض اندام می کنند و متأسفانه ایران از جمله کشوری است که متناسب با این الگو قرار گرفته است.

امریکا هرگز نمی توانست، بدون حمایت غیر مستقیم ایران وارد افغانستان شود؛ بل این ایران بود که امریکا را از جهاد علیه اشغال عراق به دور گذاشت. این ایران بود که به خاطر نجات منافع امریکا تلاش به خرج داد، درست زمانی که نماینده اش بشار الاسد در سوریه با انقلاب گسترده ای که توسط بهار عربی به وجود آمد، مواجه شد. در ضمن، این ایران بود که توانست تا وفاداری رژیم های بغداد و دمشق را نسبت به خود فراهم کند و اجازه داد تا با کشورهای غربی به تجارت و روابط دیپلماتیک بسیار محدود باز گردند.

خیلی اسفبار است که کشوری؛ هم چو ایران چنین بازی احمقانه ای را بازی می کند. انقلاب ۱۹۷۹م در ایران بیانگر این امر بود که نه تنها سلطنت فارس؛ بل تملق ایران به قدرت های خارجی، به ویژه امریکا را سرنگون کند. ایران پس از جنگ خلیج در سال ۱۹۸۰م که صدام حسین با سلاح های غربی به منظور شعله ور ساختن جنگ علیه جوانان ایرانی تدارک دیده بود، به شدت رنج می برد. اگر دولت ایران از تملق به کفار اجنبی دست بردار نشود و در هماهنگی با روسیه از رژیم خونخوار بشار الاسد حمایت کند که نه سنی به مسلمان بودنش باور دارد و نه هم شیعه، پس این همه فداکاری های جوانان ایرانی چی نتیجه ای خواهد داشت. اساساً انقلاب ایران با اقتباس از نظام دموکراتیک جمهوری غربی مدل دولت-ملت در تطبیق شریعت اسلامی مؤفق نشد.

اندیشمندان مسلمان به اصطلاح مدرنست، نسخه های متعددی از این گونه دولت ها را در سراسر کشورهای اسلامی ایجاد کرده اند که هدف اساسی آن ها همانا اقتباس از مفکوره لیبرال-سیکولر غربی در جایگزین کردن میراث فرسوده فرهنگی مسیحی با اسلام می باشد. به جای تطبیق شریعت اسلامی، چنین دولت ها ادعای به تصویر کشیدن ارزش های کلی اسلامی را می کنند و به این ترتیب،

آن ها به اسلام به عنوان یک نظام جامع و کلی عقیده ندارند؛ مگر به عنوان یک منبع روحی و رهنمای اخلاقی. اگر دولت ایران متعهد به اجرای کلی شریعت اسلامی باشد، هرگز با امپریالیست های کافر همکاری نخواهد کرد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾

[نساء: ۱۴۱]

ترجمه: و هرگز الله (سبحانه و تعالی) از طریق کافران راهی بر مسلمانان مقرر نکرده است.

این آیه نمونه خوبی از چگونگی احکام شرعی را نشان می دهد که بر اساس کلام الهی استوار می باشد و نه تنها که جنبه معنوی و بعدی اخلاقی دارد؛ بل تمام جنبه های زنده گی را به شمول سیاست خارجی در بر می گیرد. طبق اصول فقه اسلامی این آیه نمی تواند به عنوان معلوماتی در مورد نیت و عمل الله سبحانه و تعالی تلقی شود، هر چند به لحاظ زبان شناسی در این شکل ظاهر می شود؛ زیرا به عنوان معلوماتی در تناقض با رخدادهای واقعی؛ حتی در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار می گیرد.

از این رو، این تنها می تواند، به عنوان یک حکم شرعی برای تحریم کردن اختیاری کافران بر مسلمانان تفسیر شود. این مانند آنست که هرگاه مردی به پسرش گوید: مهمان را گرمی دار! در واقع، امریست برای پسر تا به مهمان اکرام نماید، هر چند که از لحاظ زبان شناسی جنبه معلوماتی دارد. در نتیجه برای هیچ مسلمانی جایز نیست تا در راستای تطبیق برنامه های سیاسی کفار اجنبی همکاری نمایند، بالخصوص اگر برنامه ها مستلزم هم کاری در جهت ایجاد کنترل و تسلط کفار بر سرزمین های اسلامی باشد.

از سوی دیگر، مسلمانان به اصطلاح مدرنیست، از ارش های کلی اسلامی؛ از قبیل رفاه در اسلام به بسیار سادگی استفاده نموده و مطابق میل شان به هر فردی از افراد تفسیر می نمایند؛ ولی با این حال، با توجه به منش ضد امریکایی و صداقت ظاهراً عمیق برخی از عناصر این انقلاب، ایران در متابعت از اجندای امریکایی هنوز هم از این انقلاب هراس دارد. یگانه راه مصالحه این است تا مشخص شود که دولت ایران در دام علائق ملت و مذهب در برابر منافع امت و دین افتاده است. علی رغم این واقعیت که اسلام هرگز تقسیمات ملی و مذهبی را تحمل نمی کند؛ دروازه اسلام به روی تبادل افکار و بحث های فکری و پر جنب و جوش باز است؛ ولی با آن هم مسلمانان ملت واحدی اند که نمی پرستند؛ مگر پروردگار یکتای بی همتا را.

حکام ایرانی به این فکر اند که ارتباط ضمنی با امریکا آن ها را قادر خواهد ساخت تا قدرت و نفوذ دولت خود را گسترش دهند و برنامه های فرقه ای ناسیونالیستی شان را مهم تر از منافع مسلمانان عادی در افغانستان یا عراق و یا سوریه بدانند. علاوه بر این، رهبران ایرانی مانند دیگر رهبرهای کشورهای اسلامی تا حال درک نکرده اند که کفار اجنبی به جزء منافع خودشان، وفاداری ندارند. امریکا طبق علائقش از حکام کشورهای اسلامی سود می برد و به همین ترتیب آن ها را کنار می زند. این در حالی است که برخی از

حکام سرزمین های اسلامی به این امر پی برده و آن را شخصاً تجربه کرده اند؛ اما این که آن ها فاقد شخصیت و وجدان اند و حتی با وجودی که آشکارا توسط امریکا مانند کاهِ پس خورده حیوانات کنار زده می شوند، با آن هم از تملق و دنباله روی دست بر دار نیستند.

لذا وقت آن فرا رسیده است که مسلمانان مخلص ایران باید ناسیونالیزم و فرقه گرایی را به طور کامل کنار بگذارند و در عوض، دست به دست هم داده و در مقابل کفار اجنبی بپا خیزند و وفاداری شان را نسبت به اسلام نشان دهند تا باشد که با تأسیس دولت اسلامی (خلافت) بر منهج نبوت تحت قیادت یک خلیفه واحد که پیام اسلام را توسط دعوت و جهاد به تمام جهان حمل می نماید، اختیار امورات شان به طول کلی در دست شان قرار گیرند.

نویسنده: فایق نجاه

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۲۲ محرم ۱۴۳۹ هـ.ق

۱۲ اکتوبر ۲۰۱۷ م